

تشابهات و تفاوت‌های اصول جنگ و رهنامه

محمدحسین افشردی^۱، توحید قاضی پور^۲، داوود گلکاریان^۳

دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۰۹

پذیرش مقاله: ۹۶/۱۱/۱۳

چکیده

جنگ پدیده‌ای طبیعی در زندگی بشر به شمار می‌رود و همواره جزئی از زندگی اجتماعی انسان‌ها بوده و هم‌چنین از اصولی پیروی می‌کند که حاصل تجربیات گذشته می‌باشد. اصول جنگ عبارت است از یک تعداد قواعد کلی که هدایت نبرد را به عهده دارد. هم‌چنین رهنامه نحوه‌ی سازمان‌دهی برای رزم، چگونگی حرکت و استقرار نیروها، مانور یگان‌ها در صحنه‌های نبرد، نحوه‌ی پشتیبانی را برای کسب پیروزی و غلبه بر دشمن بیان می‌کند. هدف اصلی این تحقیق شناخت تفاوت‌ها و تشابهات اصول جنگ و رهنامه است. روش استفاده‌شده در این مقاله، روش کیفی بوده و نوع آن کاربردی است. محقق چندین مقاله و منابع گوناگون که وجوه مختلفی از موضوع را پوشش می‌دادند بررسی کرده و از تکنیک دلفی استفاده نموده است. در این تحقیق نظر ۲۲ نفر از خبرگان گردآوری و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته است. از جمله یافته‌های این مقاله آن است که اصول جنگ و رهنامه‌ها هر دو نوعی قاعده و چارچوب تلقی می‌شوند، اما اصول ثابت‌تر بوده و بسیار کلی‌تر است. رهنامه پویا بوده و به‌طور مستمر باید مورد بازبینی قرار گیرد و چگونگی انجام فعالیت‌های نظامی توسط نیروهای مسلح را بازگو کند؛ اما درباره‌ی چرایی این فعالیت‌ها اشاره‌ای در آن به چشم نمی‌خورد. رهنامه برگرفته از اصول جنگ تعریف‌شده برای نیروهای مسلح می‌باشد که خط‌مشی و چگونگی عملکرد نیروها را مشخص می‌سازد.

واژگان کلیدی: اصول جنگ، تفاوت‌ها و تشابهات، رهنامه / دکترین.

^۱ استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه عالی دفاع ملی Mh.afshordi@gmail.com

^۲ دانش‌آموخته دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع. (نویسنده مسئول) (gazipour123@yahoo.com)

^۳ دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع.



مقدمه

جنگ یکی از پدیده‌هایی است که در جوامع انسانی همواره وجود داشته و در طول حیات بشر، جزئی از زندگی اجتماعی وی را تشکیل داده است؛ به گونه‌ای که از سه هزار و چهارصد سال تاریخ ثبت شده جوامع انسانی، فقط سیصد سال (صلح بزرگ) آن بدون جنگ و خونریزی سپری شده است (دورانت، ۱۳۷۸: ۲۹). اندیشمندان اجتماعی درباره پدیده جنگ اظهارنظرهای گوناگونی کرده‌اند. برخی آن را مفید و ضروری و برخی دیگر آن را خشن‌ترین شیوه عمل انسان توصیف کرده‌اند، لیکن همه این نظریات یک اصل مشترک دارند و آن این‌که جنگ را یک "پدیده طبیعی" در زندگی انسان‌ها در نظر می‌گیرند.

اصولی که در جنگ به کار می‌رود متکی به بررسی علل موفقیت و یا شکست‌ها می‌باشد. اساساً هر عملی در زندگی، متکی به اصولی است که برای رسیدن به نتیجه آن عمل ناگزیر باید از آن اصول پیروی کرد. ممکن است راه‌های وصول به هدف متغیر باشد ولی در هر حال خود اصول همیشه پابرجا می‌باشد. بررسی جنگ‌ها از دوران قبل تاکنون ثابت نموده که این اصول همیشه در جنگ‌ها به‌وسیله فرماندهان و مدیران بالیافت اعمال شده و هنوز هم عملی می‌گردد و به نظر می‌رسد که در آینده نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از گذشته تا به حال، زمان ثابت نموده که اصول جنگ با هرگونه ترقی و اختراعات در تکنیک و تاکتیک جنگ‌افزار، تغییری ننموده و همیشه پابرجا بوده؛ فرماندهانی که فقط اختراعات جدید را در نظر گرفته و به اصول جنگ توجهی ننمایند معمولاً در زمره فرماندهان ناموفق قرار می‌گیرند. اصول جنگ بایستی طوری در ذهن فرماندهان نهادینه‌سازی شود که از صورت مسائل عادی و زودگذر خارج شده و به‌عنوان یک عنصر تشکیل‌دهنده مغز جایگزین شود، به گونه‌ای که در هر نوع عملیات بتواند خودبه‌خود به‌کاربرده شود. بعضی از ارتش‌ها با توأم نمودن چند اصل و یا تجزیه و تحلیل نمودن یک اصل، تعداد اصول جنگ را کم یا زیاد می‌نمایند (بی‌نا، ۱۳۸۰: ۲).

هم‌چنین رهنامه در انواع سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی خود خط‌مشی و چگونگی عمل در حوزه هر اقدامی را به‌صورت دیدگاهی رسمی بیان می‌کند (افشردی، ۱۳۹۳: ۲۷). رهنامه مجموعه‌ای از نظریات و اندیشه‌های اصولی و بنیادین مبتنی بر استدلال‌های علمی و تجربی است که محیط ملی و بین‌المللی را با توجه به منافع ملی و شرایط سیاست جغرافیای سیاسی کشور، تهدیدات نظامی، محدودیت‌های سیاسی، روند تحولات منطقه‌ای و جهانی، قدرت نسبی نظامی، قابلیت‌های ملی و سایر ملاحظات امنیتی کشور برای کاربرد نیروهای نظامی مورد تجزیه و تحلیل، تشریح و توصیف



قرار می‌دهد و روش‌های مقتضی و مناسب را با توجه به جمیع شرایط محیطی برای اتخاذ تدابیر کلی دفاعی در ابعاد داخلی برای دستیابی به اهداف ملی، در زمان صلح یا جنگ توصیه و سیاست‌گذاران را هدایت می‌کند (تهامی، ۱۳۸۴: ۲۵).

با توجه به سابقه‌ی تاریخی جنگ‌ها، کشورها باید مؤلفه‌ها، ابعاد، متغیرها، تجربیات، نقاط ضعف و قوت جنگ‌ها را شناسایی کرده و نسبت به تدوین رهنامه اقدام کنند و هم‌چنین می‌توانند تجربیات جنگ‌های کشورهای دیگر را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند تا برای جنگ‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. رهنامه‌ها قالبی ذهنی را برای فرماندهان به وجود آورده و نحوه سازمان‌دهی یگان‌ها در صحنه نبرد و طرق پشتیبانی را مشخص می‌نماید. آنچه در اصول جنگ آمده باید در رهنامه نمود پیدا کند که در صورت هرگونه عدم بازخورد، موجب تغییرات در شرایط صحنه نبرد خواهد شد. مسئله اصلی محقق آن است که با توجه به تعاریف مقوله‌های اصول جنگ و رهنامه، به نظر می‌رسد که این دو دارای برخی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در تعریف می‌باشند. بر همین اساس، این مسئله پدیدار می‌شود که به‌راستی ویژگی‌های اصول و رهنامه چیست و چه تفاوت‌ها و تشابهات احتمالی میان این دو مقوله وجود دارد. پس محقق به دنبال آن است تا دریابد مرزهای اشتراک و افتراق این دو چیست و هم‌پوشانی‌های احتمالی این دو را بازشناسی کند.

از سوی دیگر اهمیت تحقیق آن است که تغییرات ایجادشده در فضای جنگ‌های جدید که سبب تغییر در طیف تهدیدات (تغییر از تهدیدات هم‌طراز به تهدیدات نا هم‌طراز) علیه کشورها شد، اصول جنگ را نیز دچار تغییر نمود. به‌طوری‌که، اصول جنگ‌های گذشته که نیاز شدیدی به تسلیحات برای غلبه بر دشمن نیاز بود، جای خود را به ابتکار و نوآوری داده است. آنچه به اهمیت موضوع خواهد افزود برقراری ارتباط مناسب میان سیاست‌های اتخاذشده (که برگرفته از رهنامه می‌باشد) و اصول جنگ می‌باشد.

هم‌چنین از منظر ضرورت این تحقیق لازم به یادآوری است که ویژگی‌های جنگ‌های جدید و تغییر ماهیت آن‌ها از هم‌طراز به نا هم‌طراز و تغییر طیف تهدیدات - همان‌طور که در بالا اشاره شد- این ضرورت را ایجاد نموده تا با شناخت تفاوت‌ها و تشابهات میان اصول جنگ و رهنامه، بتوان هر چه آماده‌تر و کارآمدتر در مقابل این تهدیدات به حفظ آمادگی پرداخت. به‌بیان‌دیگر، عدم شناخت این تفاوت‌ها و تشابهات از آن‌جهت خود ممکن است به عدم آگاهی و عدم آمادگی بیانجامد که خود نوعی تهدید به شمار می‌آید.



- بر این اساس مقاله حاضر اهداف زیر را دنبال می‌کند:
- «شناخت ویژگی‌های اصول جنگ و رهنامه»
 - «شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های اصول جنگ و رهنامه»
 - منطبق بر اهدافی که در بالا اشاره شد، محقق بر آن شد تا پاسخ سؤالات زیر را بیابد:
 - ویژگی‌های اصول جنگ و رهنامه کدام است؟
 - اصول جنگ و رهنامه چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارند؟

مبانی نظری

- پیشینه‌شناسی :

غلامرضا معمارزاده و عبدالعلی پورشاسب (۱۳۸۶) به بررسی مفاهیم، مبانی، اصول و عوامل مؤثر و تشکیل‌دهنده رهنامه‌ی نظامی و تأثیر آن‌ها بر انتخاب نوع رهنامه در شرایط مقابله با تهدیدات پرداختند و با توجه به میزان اثربخشی رهنامه در موفقیت‌های نظامی، رویکرد و قوانین کلی و بنیادی مناسب را برای به‌کارگیری و کاربرد قدرت نظامی در پشتیبانی از سیاست‌های ملی ارائه دادند. در تحقیقی دیگر، محمدباقر دانش آشتیانی (۱۳۸۳) به تبیین ماهیت و تعریف رهنامه پرداخت و یک روش پنج مرحله‌ای برای تدوین رهنامه نظامی معرفی و توضیح داده است و محقق عنوان کرده است که رهنامه ماهیتاً از جنس اندیشه و تفکر است که اصالتاً در تفکر، جهان‌بینی و قالب‌های ذهنی افراد ریشه دارد و معمولاً به‌صورت نظریه اعلان می‌شود. در این مقاله هم‌چنین توضیح داده شده است که رهنامه نظامی یا رهنامه سازمانی و رسمی نیروهای مسلح به سه نوع رهنامه نیرویی، رهنامه مشترک و رهنامه مرکب تقسیم می‌شود و دارای سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است.

محمدحسین قنبری جهرمی (۱۳۸۷) در پژوهشی دکترین نظامی و فرآیند شکل‌گیری آن را موردبررسی قرار دادند. در این تحقیق بیان شده است که رهنامه نظامی به‌منظور برقراری تناسب بین کارکردهای نیروهای نظامی از یک‌طرف و اهداف سیاسی از سوی دیگر، تبیین می‌گردد و باید چنان منطقی باشد که در مقابل تهدیدات پاسخ‌گوی مؤثری بوده و ضمن استحکام، در مقابله با تغییرات اجتناب‌ناپذیر، قابل‌انعطاف هم باشد. هم‌چنین حبیب‌الله رسولی (۱۳۸۹) اصول جنگ در نهج‌البلاغه را بررسی نموده و اصول جنگ را با دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) در رابطه با امور نظامی مقایسه نموده و عنوان کرده است که حضرت، چهاراصل اضافه بر اصول نه‌گانه، در جنگ‌های خود به کار برده است که از آن اصول عبارت‌اند از: ایمان، اخلاص، دعا و اخلاق.



در جمع‌بندی پیشینه‌هایی که در بالا ذکر شد می‌توان این‌گونه بیان نمود که: رهنامه ماهیتاً از جنس اندیشه و تفکر است که اصالتاً در تفکر، جهان‌بینی و غالب‌های ذهنی افراد ریشه دارد و معمولاً به‌صورت نظریه اعلان می‌شود. رهنامه را می‌توان به دو نوع فردی و سازمانی تقسیم کرد. رهنامه فردی همان است که یک رهبر، مدیر یا فرمانده نظامی برای انجام امور شخصی از آن استفاده می‌کند از طرفی اگر همین رهنامه را افراد در سطح ملی پذیرا باشند به رهنامه ملی، سازمانی و یا رسمی نیروهای مسلح تبدیل می‌شود. رهنامه باید به‌گونه‌ای تدوین شود تا تناسب بین کارکرد نیروها از یک‌طرف و اهداف از سمت دیگر را برقرار کند. در نهج‌البلاغه نیز ۴ تفاوت عمده از اصول به کار گرفته‌شده در جنگ‌های امام علی (علیه‌السلام) با جنگ‌های امروزی شامل ایمان، اخلاص، دعا و اخلاق می‌باشد که امام علی (علیه‌السلام) سپاهیان را به آن سفارش نموده است. لازم به ذکر می‌باشد که در بررسی پیشینه تحقیق، محققین به‌روشنی تشابه و تفاوت اصول جنگ و رهنامه را بررسی نکرده‌اند. در مقالات و منابعی که مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت هر کدام از پژوهشگران بر مبنای نیاز تحقیقشان تعریفی از اصول جنگ و رهنامه ارائه کرده‌اند که به‌صورت همه‌جانبه مفاهیم را پوشش می‌دهد. محقق برای اولین بار سعی در کشف رابطه بین این مفاهیم و ارائه الگویی جهت نشان دادن تفاوت و تشابهات آن‌ها کرده است. بر همین اساس با بررسی همه‌جانبه مفاهیم مورد نیاز، تصویری چندوجهی از هر مفهوم را با قرار دادن تعاریف متعدد می‌سازد.

ب - مفهوم شناسی :

جنگ و سیر تاریخی آن: جنگ در لغت به معنای نبرد، پیکار، رزم، کارزار، آورد، زدو خورد و کشتار میان چند تن یا میان سپاهیان دو کشور می‌باشد (عمید، ۱۳۶۵: ۷۰۶) و از نظر نظامی به نبرد یا رزمی که مستلزم درگیری در سطح بین‌المللی یا بین دو ملت و به همراه عملیات مسلحانه و روانی می‌باشد گفته می‌شود. در این‌گونه جنگ‌ها از تمام قدرت‌های نظامی، سلاح و مهمات، سایر وسایل و حتی نیروی انتظامی استفاده می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸۶). از نظر کلازویتس^۱ جنگ، ادامه سیاست دولت با ابزار متفاوت است (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۴: ۲۹). "جنگ ادامه سیاست است، جنگ نه تنها خصیصه نظامی بلکه دیپلماتیک، روان‌شناسی و اقتصادی را نیز دارد، جنگ به صحنه اجتماعی متعلق است، جنگ نزاعی بزرگ است برای کسب منافع که با خونریزی پایان می‌یابد" (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۲ و ۶۵). "برخورد مسلحانه بین دو یا چند کشور را جنگ گویند" (طلوعی، ۱۳۸۱: ۳۸۱).



جنگ‌ها و نبردها را می‌توان بسته به نوع نگرش و رویکردهای مختلف دسته‌بندی و تفکیک نمود و مورد مطالعه قرار داد. یکی از این شاخص‌ها، گونه‌شناسی درگیری‌های مسلحانه با مدنظر قرار دادن پویای تاریخی تحول در ابزارهای مؤثر بر کیفیت نبرد است. جامعه انسانی، تحول تدریجی سه نوع جنگ یا درگیری مسلحانه را شاهد بوده است: جنگ‌های پیشا مدرن، مدرن و پست‌مدرن که برخی آن را موج‌های اول، دوم و سوم جنگ نامیده‌اند.

در هر یک از این دوره‌ها اوصاف و مؤلفه‌های جنگ، به‌ویژه راه‌کنش‌ها و راهبردها، متفاوت و متحول شده و به تناسب اوضاع و احوال زمانی و مکانی، نسخه‌ای خاص از آن‌ها تبیین و مورد عمل قرار گرفته است. ضمن این‌که گذار از هر دوره الزاماً به معنای صرف‌نظر کردن از میراث گذشته و خلق پدیدارها و الزامات کاملاً نوین نبوده بلکه ترکیبی از میراث‌های قابل اعمال در دوره‌های جدید و ابداع روش‌ها و ابزارهای مناسب شرایط نوین در دستور کار قرار گرفته است (بی‌نا، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

جنگ‌های پیشا مدرن مربوط به دوره قبل از نوین شدن جنگ در نتیجه توسعه علوم و فن‌آوری، یعنی ظهور نهضت رنسانس است که دوره طولانی از تاریخ بشر یعنی از ابتدای تاریخ حیات بشری تا حدود سال‌های ۱۸۰۰ میلادی را به خود اختصاص می‌دهد. این دوره، جنگ‌های آیینی و جنگ‌های سنتی را شامل می‌شود.

جنگ پست‌مدرن نقطه عطفی در مراحل در حال ظهور تاریخ بشری است که نه تنها صحنه جنگ بلکه منطقه نبرد و رزم را به شدت متحول می‌نماید و این دگرگونی را حول محورهایی نظیر فن‌آوری نوین متمرکز می‌سازد. توسعه ریشه‌ای و گسترده در وسایل حمل و نقل، اطلاعات، جنگ‌افزارهای هوشمند، حضور پر قدرت و مؤثر رایانه‌ها در تصمیم‌گیری، نشانگر مواجهه مجدد انسان با شکل جدیدی از جنگ است که با اشکال سنتی و مدرن آن تفاوت‌های اساسی دارد (بی‌نا، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۷۲).

یک تقسیم‌بندی دیگر که در مورد نسل‌بندی جنگ‌ها ارائه شده است به شرح زیر می‌باشد:

- جنگ‌های نسل اول (سلاح سرد): شامل جنگ‌های دوره تاریخی از پیدایش بشر تا اختراع سلاح‌های گرم است که متکی بر سلاح‌های سرد می‌باشد. این دوره را دوره "سلاح سرد" نیز می‌نامند.
- جنگ‌های نسل دوم (باروت): شامل جنگ‌های دوره تاریخی، اختراع و به‌کارگیری سلاح‌های گرم تا زمان ورود ماشین به عرصه نبرد می‌گردد، که این دوره را دوره "سلاح گرم" می‌نامند.



-جنگ‌های نسل سوم (مکانیزه): این دوره با اختراع و به‌کارگیری ماشین‌های جنگی و توسعه عرصه نبرد زمین به هوا و زیر سطحی شروع شده و تا دوره معاصر ادامه داشته است.

-جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹)، را می‌توان نمونه بارز این جنگ دانست. جنگ جهانی دوم، همراه با چندین سال مقدمات و نیز با پیامدهای بعدی آن، پرهزینه‌ترین و خشونت‌بارترین جنگ در طول تاریخ بشری بود (دوپوی ۱، ۱۳۸۱: ۲۵۳).

-جنگ‌های نسل چهارم: با شروع دوره انقلاب علوم و فن‌آوری‌ها، خصوصاً فن‌آوری‌های اطلاعات، ارتباطات، الکترونیک، رایانه و... در آغاز قرن ۲۰، جنگ‌های نسل چهارمی طراحی و در چند جنگ تجربه شده و سیر تکاملی خود را طی می‌نماید (جلالی، ۱۳۸۹: ۲۲۰).

اصول جنگ: از منظر اساتید دانشگاه افسری امام علی (علیه السلام) اصول جنگ عبارت است از یک تعداد قواعد کلی که هدایت نبرد را به عهده دارد و یا اصول جنگ حقایق مسلمی هستند که حاکم بر میدان نبرد بوده و کاربرد به‌موقع و مؤثر آن‌ها در به‌دست آوردن موفقیت و پیروزی اثر قاطع دارد. این اصول موردقبول فرماندهان نظامی بوده و صحت و تطبیق این اصول با اشکال مختلف نبرد مورد تصدیق و تائید آن‌ها قرار گرفته است (بی‌نا، ۱۳۸۰: ۲). هم‌چنین در تعریف دیگری از اصول جنگ آمده است: "یک سری اصول و قواعد مسلم و اساسی حاکم بر صحنه جنگ که بهره‌گیری و استفاده به‌جا، به‌موقع و صحیح از آن‌ها در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی، امکان موفقیت نبرد را افزایش می‌دهد" (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۸). اصول جنگ متداول در ارتش‌های جهان، حاصل تجربیات نیروهای نظامی در جنگ جهانی دوم و اقدامات نظامی پس‌از آن و در فضایی که در آن، طرف‌های درگیر جنگ از یک هم‌طرزازی نسبی برخوردار بودند، می‌باشد و علی‌رغم اشتراکات فراوان، هر کشوری متناسب با شرایط اختصاصی خود تغییراتی را در تعداد این اصول لحاظ نموده است و به همین علت، تعداد اصول جنگ در کشورهای مختلف، متفاوت است.

اصول جنگ راهنمای مؤثری برای عملیات رزمی نیروهای مسلح محسوب می‌شوند. به‌کارگیری این اصول ممکن است متناسب با موقعیت و برداشت فرماندهان، متفاوت باشد. فرمانده باید ماهرانه این اصول را برای حفظ ابتکار عمل و کنترل منطقه رزم به کار گیرد. اصول جنگ مجموعه‌ای از ملاحظات مجرد، قواعد مسلم و مبانی اساسی در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی است که از عصاره تجارب جنگی ملل مختلف در طول تاریخ به‌دست آمده‌اند. اصول جنگ بر جریان جنگ حاکم



می‌باشند و به‌کارگیری صحیح و به‌جای آن‌ها امکان موفقیت در نبرد را افزایش می‌دهد (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۴۷).

سون تزو در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اصول جنگ را برشمرد، وی در کتاب هنر جنگ عنوان کرده که آن‌هایی که بر پنج اصل سازمان، قدرت و صلابت نظامی، ترفیع افسران تا حد استحقاق، امنیت راه‌های تدارکاتی و تأمین آذوقه و مراقبت در تأمین احتیاجات ضروری ارتش تسلط دارند، پیروز می‌شوند و آن‌هایی که ندارند شکست می‌خورند (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳۶). همچنین طاهایی اصول غافلگیری، سرعت عمل، امنیت، تهاجم و به حداقل رساندن تلفات جانی را اصولی برشمرده که حضرت محمد (ﷺ) آن‌ها را به کار می‌گرفته است (طاهایی، ۱۳۷۲: ۴۰). رسولی در تحقیق خود عنوان کرده است که در نهج‌البلاغه به اصول نه‌گانه فوق اشاره شده و علاوه بر آن‌ها اصول ایمان، اخلاص، دعا و اخلاق نیز در نهج‌البلاغه مطرح شده است (رسولی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

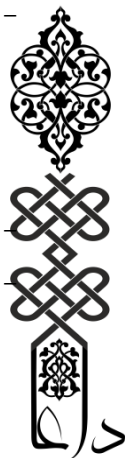
تحلیل‌های ارائه‌شده از جنگ‌های گذشته نشان می‌دهد عواملی همچون تعداد نفرات و امکانات، کسب ابتکار عملیاتی، غافلگیری، تأمین، فرماندهی و کنترل، اهداف سنجیده، تحرک، تمرکز، صرفه‌جویی در قوا و مانور اغلب به‌عنوان عناصر اصلی توان رزمی و اصول جنگ در بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته شده‌اند (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۶۱). اصول نه‌گانه پذیرفته‌شده جهانی که در مراکز آموزش نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تدریس می‌شود، به شرح زیر می‌باشد (رسولی، ۱۳۸۹: ۱۱۷؛ معین وزیری، ۱۳۸۹: ۱۸)

- اصل هدف: هدایت عملیات نظامی همواره به سمت یک هدف معین و قابل حصول، انجام می‌شود که دستیابی به مقاصد راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی را تسهیل می‌کند.

- اصل آفند: کنش به‌جای واکنش و در اختیار گرفتن زمان، مکان، منظور، دامنه، شدت، سرعت و ابتکار عملیات. با انجام عملیات آفندی معمولاً ابتکار عمل به‌دست می‌آید که باید حفظ شود و به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار گیرد. اصل آفند بر اقدام آفندی و حفظ ابتکار عمل به‌عنوان مؤثرترین و قاطع‌ترین راه برای تعقیب و رسیدن به یک هدف مشخص تأکید می‌ورزند.

اصل تمرکز قوا: تمرکز توان رزم در زمان و مکان سرنوشت‌ساز را تمرکز قوا گویند.

اصل صرفه‌جویی در قوا: انجام مؤثر تمرکز قوا با به‌کارگیری حداقل توان رزم برای اهداف ثانوی و استفاده کامل از حداکثر نیروهای در دسترس برای هدف اصلی میسر است.



- اصل مانور: قرار دادن دشمن در وضعیت نامطلوب از طریق به‌کارگیری توان رزم نیروهای خودی به‌صورت قابل‌انعطاف ممکن و میسر می‌باشد.
- اصل وحدت فرماندهی: تضمین وحدت تلاش برای یکایک اهداف تحت نظر یک فرمانده مسئول و پاسخ‌گو را وحدت فرماندهی می‌نامند.
- اصل تأمین: تأمین عبارت از مراقبت نیروهای خودی و عملیات آن‌ها در برابر اقداماتی از سوی دشمن تا نتوانند برتری و امتیاز غیرقابل‌پیش‌بینی را از نیروهای خودی کسب کنند.
- اصل غافلگیری: وارد آوردن ضربه بر دشمن در زمان و مکان غیرقابل‌انتظار او، یا به شیوه‌ای که برای او غیرقابل‌پیش‌بینی باشد. اصل غافلگیری را تا حد بسیار زیادی می‌توان نقطه مقابل تأمین دانست.
- اصل سادگی: اجتناب از پیچیدگی غیرضروری در آماده‌سازی، طرح‌ریزی و اجرای عملیات نظامی. دستورالعمل‌ها، طرح‌ها و دستورات باید تا حد امکان، ساده، مستقیم و بدون ابهام باشند (فرقانی و امکانی، ۱۳۸۱: ۸؛ رسولی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).





اصول جنگ در کشورهای ایران، چین، فرانسه، شوروی سابق، انگلستان - استرالیا - نیوزیلند و آمریکا - فیلیپین (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۰).

هم‌چنین در سپاه پاسداران و بر اساس تجربیات هشت سال دفاع مقدس، دو اصل (اصل تداوم پشتیبانی و اصل حفظ کارایی رزمی) به اصول فوق اضافه و اصل قابلیت انعطاف، جایگزین اصل سادگی شده است. هر یک از اصول نه‌گانه جنگ مکمل یکدیگر بوده و متقابلاً به یکدیگر بستگی دارند. میزان استفاده هر یک از این اصول بستگی به وضعیت موجود داشته و در پاره‌ای از موارد ممکن است یک یا چند اصل به‌طورکلی قربانی یکدیگر گردیده و در نظر گرفته نشوند (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۱). به‌عبارت‌دیگر، میزان استفاده از این اصول بستگی به وضعیت موجود و هدف رهبر یا فرمانده در نحوه اجرای عملیات دارد.



آنچه مسلم است، به دنبال تغییرات ایجادشده در فضای جنگ‌های جدید که به شدت ماهیت فن‌آورانه به خود گرفته و از آن به جنگ‌های نسل چهارمی یاد می‌شود، برخی از این اصول کارایی خود را از دست داده و موضوعیت ندارند و مطالعه جنگ‌های رخ داده (بعد از فروپاشی شوروی سابق) ضرورت تغییر در این اصول را اثبات نموده‌اند.

مفهوم دکترین (رهنامه): کشورها با توجه به امکاناتشان، به دنبال روش‌هایی جهت سیاست‌گذاری‌های کلان خود در بخش‌های نظامی می‌باشند. این سیاست‌گذاری کلان، در فرهنگ‌های مختلف با نام‌های مختلفی همچون دکترین، آیین، رهنامه، الگو و ... خوانده می‌شود. دکترین واژه‌ای فرانسوی از ریشه‌ی لاتین داکترینا به معنی مسلک، عقیده، رأی، نظریه و فکر می‌باشد (عمید، ۱۳۶۵: ۱۱۳۴)، هم چنین دکترین در لغت به اشکال گوناگونی از جمله دیدگاه، الگو و اصول اطلاق می‌گردد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۲). داکترینا به معنی، اصول عقاید و چارچوب، برگرفته شده است (سلامی، ۱۳۷۴: ۶۳). واژه دکترین، به معنی تعلیم، نظریه، اندیشه و فکر نیز گفته شده است (معین، ۱۳۷۸: ۱۵۴۴). رهنامه قواعد بنیادی و چارچوب نظام‌مند است که بدان واسطه در هر شاخه‌ای از علوم راهبردی، انباشت دانش، تجربه، مطالعه، تحلیل و آزمایش گردآوری شده و فعالیت‌های آینده‌ی کشور و به‌کارگیری توانمندی‌ها به‌منظور نیل به اهداف سیاسی در محیط‌های اجرایی مشخص می‌شود.

رهنامه نظامی: رهنامه نظامی، راهنما و قواعد بنیادی برای کاربرد نیروی نظامی به‌منظور رسیدن به اهداف سیاسی می‌باشد، مجموعه نظریات و تئوری‌هایی است که محیطی را که باید نیروهای مسلح در آن عمل کنند توصیف می‌نماید و روش‌ها و شرایط به‌کارگیری آن نیروها را تعیین می‌کند (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۳۵). در فرهنگ آمریکایی - انگلیسی بیشترین و اصلی‌ترین کاربرد رهنامه در چارچوب مسائل نظامی است، بر پایه چگونگی جنگیدن تعریف شده و به معنای لغوی چگونگی عمل، راهنما و روش نیز بسیار نزدیک است. در این کشورها رهنامه در چارچوب استراتژی نظامی تعریف می‌شود. رهنامه در فرهنگ شوروی سابق صرفاً مربوط به مسائل نظامی نبوده و جایگاه آن بالاتر از استراتژی کلان قرار دارد. استراتژی کلان، سیاست‌های امنیت ملی و استراتژی نظامی، اجزای رهنامه محسوب می‌شوند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۳).

این دو رویکرد نشان می‌دهد، برداشت یکسانی از این کلمه وجود ندارد و سه‌گرایش نظری در مورد رابطه استراتژی، سیاست و رهنامه وجود دارد. فرهنگ غربی در دوران جنگ سرد استراتژی را بر سیاست و سیاست را بر رهنامه مقدم می‌داند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۳۴). نگرش مدرن با پشتوانه نظری



واقع‌گرایانی چون مورگنتا^۱ و لیدل هارت^۲ سیاست را بر استراتژی و رهنامه مقدم می‌دانند (مشیرزاده، ۱۳۷۴: ۷۹). ریشه‌های نگرش سوم که در فرهنگ شوروی سابق وجود داشته، رهنامه را بر سیاست و استراتژی مقدم می‌داند. از میان سه دیدگاه مذکور دیدگاه آخری از پشتوانه نظری محکم‌تری برخوردار است و رابطه‌ای واقعی‌تر میان مفاهیم ترسیم می‌کند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۴۳۵). زادگاه واژه رهنامه فرانسه است ولی این مفهوم در شوروی سابق پرورش یافته و مجدداً در فرهنگ اروپایی بازآموزی و بازپروری شده است. نگرش داشتن رهنامه برای نیروهای مسلح طی قرن ۱۹ میلادی توسعه یافت.

سون تزو رهنامه نظامی را اصولی دانسته که رعایت آن‌ها در سازمان‌دهی ارتش، تشکیل توان رزمی، آماد و پشتیبانی، روحیه کارکنان به‌ویژه مدیران، تأمین عقبه و امنیت داخلی کشور الزامی است (افشردی، ۱۳۹۳: ۶). طبق تعریف ناتو، رهنامه عبارت است از "اصول بنیادی که نیروهای مسلح بر اساس آن‌ها فعالیت‌ها و اقدامات خود را در جهت پشتیبانی از اهداف هدایت می‌کنند. این اصول آمرانه بوده، اما در عمل نیازمند قضاوت هستند. ارتش کانادا رهنامه نظامی را اصطلاحی رسمی برای اشاره به مجموعه‌ای از نظرات و دانش نظامی تعریف می‌کند که ارتش در زمان مناسب آن را می‌پذیرد (بی‌نا، ۱۹۹۸). در بررسی ستادی که در دانشگاه نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۴۸ انجام شده، رهنامه نظامی را آن دسته از مفاهیم، اصول، سیاست‌ها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها، تمرین‌ها و فرآیندهایی را که لازمه پیشرفت امور سازمان‌دهی، تمرین، مجهر سازی و به‌کارگیری یگان‌های تاکتیکی و خدماتی است تعریف کرده است (بی‌نا، ۱۹۸۹).

وزارت جنگ ایالات متحده رهنامه نظامی را تحت عنوان آیین‌نامه‌های خدمات رزمی تعریف می‌کرد. هم‌چنین بسیاری از افسران، کتاب‌های راهنمای نظامی می‌نوشتند. در فرهنگ واژگان نظامی ارتش آمریکا رهنامه نظامی اصول بنیادینی است که بر مبنای آن نیروهای نظامی یا عناصر وابسته به آن اقدامات خود را در جهت پشتیبانی از منافع ملی هدایت می‌کند. اعمال رهنامه تعیین شده الزامی است ولی نحوه اجرای آن بستگی به نظر و قضاوت مسئولین امر و شرایط محیط دارد. ناتو عیناً تعریف ارتش آمریکا را به کار می‌برد، ولی واژه‌های عناصر وابسته به آن و ملی را حذف نموده است (دانش آشتیانی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۷).



1- Morgenthau
2 - Liddel Hart

رهنامه نظامی چگونگی شرکت نیروهای نظامی در لشکرکشی‌ها، عملیات عمده، نبرد و درگیری‌ها را به‌طور مختصر بیان می‌کند. رهنامه به همین نحو، نه جزء عملیات و نه جزء تاکتیک به شمار می‌رود. بلکه در واقع چارچوبی مفهومی است که تمام سه سطح جنگ را هماهنگ می‌کند. هدف اصلی رهنامه، ایجاد یک چارچوب هادی برای انجام عملیات است. این چارچوب نحوه‌ی جهت‌دهی، فرماندهی، انجام، پایداری و بازیافتی عملیات را بیان می‌کند. بنابراین، رهنامه نه درباره‌ی گذشته است و نه درباره‌ی آینده میان‌مدت و بلندمدت است. رهنامه درباره‌ی امروز و فردای امروز است. رهنامه پویا است و به‌طور مستمر مورد بازبینی قرار می‌گیرد. رهنامه چگونگی انجام فعالیت‌های نظامی توسط نیروهای مسلح را بازگو می‌کند اما درباره‌ی چرایی این فعالیت‌ها (که در حوزه‌ی سیاست است) چیزی نمی‌گوید. رهنامه در اصل، اعضای نیروهای مسلح را هدف گرفته است. رهنامه نظامی یک کشور نمایان‌گر رویکرد آن کشور به عملیات نیروهای نظامی خود است. که برای آموزش آن‌ها در مراحل اولیه‌ی آموزش و توسعه‌ی حرفه‌ای آن‌ها مورداستفاده قرار خواهد گرفت (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۳).

سون تزو، ژنرال چینی در کتاب هنر جنگ‌آوری، معتقد است؛ قبل از هر چیز باید امکان شروع جنگ را با در نظر گرفتن و محاسبه پنج عامل اصلی اعتقاد و باور مردم به حکومت، تدابیر راهبردی، برنامه‌ریزی تحرکات رزمی (از قبیل ترابری، آذوقه رسانی و...)، لیاقت‌های رهبری فرمانده سپاه و رویه جنگی یا هنر رزم ارزیابی نموده است. بدین ترتیب سون تزو رهنامه را مجموعه قواعدی دانسته و عامل پنجم مدنظر وی را می‌توان به "رهنامه نظامی" تعبیر نمود (سون تزو، ۱۳۸۷: ۲۹).

رهنامه در اندیشه نظامی اسلام: خداوند متعال جهاد را جزئی از زندگی مسلمین قرار داده و در کامل‌ترین دین خود و کتاب آسمانی آن، قرآن، دستوراتی با مناسبت‌های مختلف به نبی مکرم اسلام (ﷺ) و مسلمانان داده‌اند (نظیر سوره‌های مبارکه توبه آیات ۲۹ و ۳۶، سوره‌ی مبارکه حج آیه‌ی ۲۹، سوره مبارکه بقره آیه‌ی ۱۹۰ و آیاتی مشابه که در مجموع ۳۴ آیه می‌باشد)، چنان‌که در سوره‌ی فرقان آیه‌ی ۵۲ می‌فرماید "فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا" (پس از کافران اطاعت مکن و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز). علامه شهید مرتضی مطهری، اسلام شناس معاصر نیز به استناد قرآن و مکتب اسلام می‌فرماید، "اسلام از این جهت که دینی است که آمده جامعه، دولت و حکومت اسلامی تشکیل دهد و رسالتش اصلاح جهان است و تمام شئون زندگی بشر را تحت نظر دارد بایستی قانون جهاد داشته باشد، قرآن جهاد را منحصرأ نوعی دفاع می‌داند و



تنها در مورد یک تجاوز که وقوع پیدا کرده باشد، اجازه جهاد می‌دهد ایشان نیز می‌فرمایند نمی‌توان جهاد را برای بسط ارزش‌های انسانی که به خطر افتاده‌اند محکوم کرد و بیان می‌دارند تجاوز مفهوم عام است، یعنی لازم نیست تجاوز به جان، مال، ناموس، سرزمین، استقلال و یا به آزادی انسان باشد، بلکه اگر یک قوم به ارزش‌هایی که آن ارزش‌ها، ارزش انسانی به شمار می‌رود، تجاوز بکند باز تجاوز است (مطهری، ۱۳۹۲: ۵۷). "لذا جهاد در جامعه اسلامی ماهیت دفاع داشته و برای آن نیز آئین و رسومی است که کلیات آن را می‌توان از قرآن، نهج‌البلاغه و جنگ‌های صدر اسلام دریافت و عوامل متغیر آن که متأثر از شرایط زمانی، مکانی و دستاوردهای بشر است را می‌توان متناسب با قوانین اسلام از تجارب تاریخی بشر و بررسی وضعیت موجود و تحلیل روند استنباط نمود. امروزه این آئین و رسوم در فرهنگ نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رهنامه و در سایر فرهنگ‌ها عموماً با نام دکتین شناخته می‌شود.

جنگ در اسلام همان مسئله‌ی مبارزه و معارضه‌ی میان حق با باطل یا عدالت با بی‌عدالتی و ستم است. هدف اساسی چنین جنگی ایجاد و برقراری عدالت و صلح در جوامع بشری، تحقق توحید و نیل به سعادت راستین و تعالی می‌باشد. به تعبیری مسلمان (به‌خصوص) برای حفظ مقام و حیثیت طبیعی خویش مبارزه می‌کند و می‌کوشد تا مقام و موقعیتی را که خدا برایش آفریده و مقرر داشته و پسندیده است نگهداری کند و از مرتبه‌اش تنزل ننماید. در واقع حفظ کرامت انسان و رسیدن او به سعادت به‌عنوان مهم‌ترین هدف جهاد مطرح شده است و بر همین اساس صلح و عدالت، هدف جنگ می‌باشد نه جهان‌گشایی، استعمار، سلطه بر ملت‌های دیگر و مواردی از این قبیل. بی‌دلیل نیست که در آیه‌ی ۲۵۱ سوره‌ی بقره، جنگ، دفع برخی با برخی دیگر برای نفی فساد قلمداد می‌شود چه دفع و سلطه امری است انسانی اما آنچه مهم است این است که دفع سلطه در جهت نفی فساد و تحقق عدالت و صلح باشد. امام خمینی (ره) نیز می‌نویسد: جهاد اسلام مبارزه‌ی با شرک‌ها و بی‌عفتی‌ها و چپاول‌ها و بیدادگری‌ها و ستمکاری‌هاست (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۴۳۸).

آراء و اندیشه‌ی نظامی حضرت امام خمینی (ره): امام خمینی (ره) هم به‌عنوان یک اندیشمند و صاحب‌نظر برجسته در اندیشه فقهی نظامی و هم به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح پس از پیروزی انقلاب اسلامی و هم به‌عنوان رهبری کننده یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های جهان، اصولی چند را موردنظر قرار داده است.



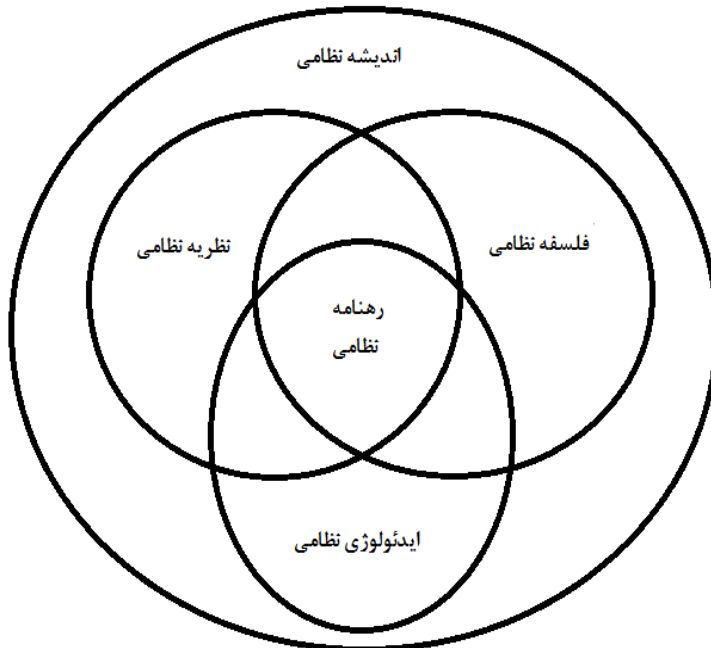
برخی از این اصول عبارتند از: ایمان به هدف - هدف متعالی و مقدس «جهاد فی سبیل الله»، اطاعت از فرماندهی، تمرکز قوا، تکیه بر امدادهای الهی، اتکا بر مردم (مردمی بودن جنگ)، خودباوری، خوداتکایی و فقدان وابستگی در رزم و جهاد، اصل اخلاق جنگی و اخلاق در جنگ - تکیه بر ارزش‌ها و معنویات و حفظ سلامت فکری و روحی و جسمی نیروها، وحدت بین قوای نظامی و نیز بین قوای نظامی و مردمی، جنگ اعتقادی (جنگ - در راه آرمان و اعتقادات والا)، نفی هرگونه سلطه غیر خدایی، توجه به اسلحه و تکنولوژی به مثابه ابزار - سلاح و صلاح (اسلحه باید در دست انسان صالح باشد)، نفی جنگ هسته‌ای و تکیه بر جنگ متعارف، نگرش تکلیفی و مسئولیتی، تکیه بر نقش اساسی انسان، باور، اراده و عمل، نفی یأس و نومیدی، استفاده از تجارب دیگران، اطلاعات و آمادگی و برنامه‌ریزی (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۵۹۹ - ۶۰۰).

جایگاه رهنامه در اسناد بالادستی: به‌طورکلی ابزار نرم‌افزاری دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به نیازها و حل مسائل راهبردی، سیاست‌ها، راهبردها و رهنامه‌ها می‌باشند. دولت‌ها تفکرات، برآوردها و برنامه‌های خود در امور دفاعی را در سه قالب راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تدوین و ابراز می‌کنند. البته نه با محتوی یکسان، چراکه تعریف و الگوی مفاهیم مذکور در دیدگاه راهبرد پردازها متفاوت می‌باشد. برای مثال در الگوی شرقی (روسیه) عمده برنامه‌های دفاعی در قالب "رهنامه" بیان می‌شود و به‌عکس در الگوی غربی (آمریکا)، "راهبرد" بیانگر برنامه‌های دفاعی می‌باشد علاوه بر این سه مفهوم فوق با یکدیگر نیز اشتراک و همپوشانی بوده و مرزبندی و فصل مشترک روشنی ندارند (زه‌دی، ۱۳۸۶: ۳).

رهنامه نظامی کشور در تصمیم‌گیری‌های سیاسی - نظامی و برای تعیین سیاست دفاعی، به‌عنوان راهنما مورد استفاده فرماندهان قرار می‌گیرد. قبل از اقدام به سیاست‌گذاری دفاعی، هر کشوری در قدم اول باید اصول اساسی مورد نظرش را در زمینه نظامی و یا به‌عبارت‌دیگر، رهنامه نظامی خود را در سطح ملی مشخص سازد. رهنامه نظامی در سطح ملی قدرت نظامی کشور را با سایر ابعاد قدرت ملی در راستای دستیابی به اهداف ملی، هماهنگ می‌سازد و مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های دست‌اندرکاران در امور نظامی است. بنابراین تمامی اقدامات بعدی در سیاست‌گذاری دفاعی از رهنامه نظامی متأثر می‌شود. سطح اجرایی رهنامه نظامی، در رده ستاد مشترک نیروهای مسلح در هر کشور کاربرد دارد. رهنامه نظامی اجرایی از رهنامه نظامی در سطح ملی متأثر است و برای



تصمیم‌گیری در مورد رهنامه، تبیین، تعیین و شناخت اصطلاحات زیر به صورت سلسه‌وار در همه سطوح ضرورت دارد به طوری که ارتباط دوجانبه‌ای را بین سطوح مختلف رهنامه برقرار می‌نماید: آرمان‌های ملی، عزم ملی، منافع امنیت ملی، اهداف امنیت ملی، تهدیدات موجود علیه امنیت ملی، رهنامه امنیت ملی، سیاست امنیت ملی، راهبرد امنیت ملی، کیفیت و کمیت نسبی ابزارهای قدرت ملی، تهدیدات نظامی، اهداف کلی نظامی، قدرت نظامی نسبی خودی و دشمن، آرمان سیاسی کشور، وضعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک کشور و... (تهامی، ۱۳۸۴: ۲۴).



شکل ۲: رابطه رهنامه نظامی و فلسفه، نظریه و ایدئولوژی نظامی (قنبری جهرمی، ۱۳۸۷: ۸۵).

مبنا و بنیاد هر شکلی از رهنامه نظامی را اندیشه نظامی شکل می‌دهد و سمت‌وسوی آن را مشخص می‌نماید هم‌چنین همان‌طور که در شکل فوق مشاهده می‌شود، قرار گرفتن رهنامه نظامی در فصل مشترک فلسفه نظامی، ایدئولوژی نظامی و نظریه نظامی بدین معنا است که رهنامه نظامی هر جامعه‌ای از هر یک از مقوله‌های سه‌گانه فوق قابل استخراج و استنباط است (قنبری جهرمی، ۱۳۸۷: ۸۵).

انواع و سطوح رهنامه: رهنامه در انواع سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، خط‌مشی و چگونگی عمل در حوزه هر اقدامی را به صورت دیدگاهی رسمی بیان می‌کند. رهنامه در تعاریف به سه سطح



راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تفکیک شده که هر کدام مفهوم خاصی به شرح ذیل دارد (افشردی، ۱۳۹۳: ۱۲).

— رهنامه راهبردی: مرجع و مأخذ رهنامه‌های نظامی است و شاکله‌ی آن نمایش قدرت ملی، قدرت نظامی، ایجاد توان پاسخ‌دهی به تهدیدات و آمادگی تداوم نبرد در گستره جغرافیایی کشور، آماده نمودن سرزمین برای دفاع و ساماندهی امکانات دولتی، مردمی و نظامی در پشتیبانی از اهداف و سیاست‌های ملی و تأمین منافع امنیت ملی کشور می‌باشد.

— رهنامه عملیاتی: تعیین‌کننده‌ی قواعد اساسی است که بر اندیشه‌های نظامی، تجارب عملیاتی و آموزشی، عقاید و قالب‌های ذهنی فرماندهان، طراحان و تصمیم‌گیرندگان نظامی در ستادهای مشترک و نیروها استوار بوده و به عبارتی راهنمای طرح‌ریزی و اجرای امور عملیاتی نیروها و سازمان‌ها در حین اقدامات مشترک و خوداتکا می‌باشد.

— رهنامه تاکتیکی: به آن دسته از قوانین تاکتیکی اطلاق می‌شود که متضمن نحوه‌ی اجرای رزم در منطقه‌ی عملیات و هدایت‌کننده‌ی عوامل تاکتیکی در میداين نبرد می‌باشد.

به‌طور کلی رهنامه به دو بخش ملی و نظامی تقسیم‌بندی می‌گردد و در بخش نظامی به سه سطح "رهنامه راهبردی، رهنامه عملیاتی و رهنامه تاکتیکی" تقسیم می‌گردد.

قواره و چارچوب تدوین رهنامه: با وجود اینکه کشورهای زیادی سعی کرده‌اند برای امور مختلف خود، رهنامه‌های متنوعی را تدوین و ارائه نمایند، ولی هنوز قواره و چارچوب مدونی برای تدوین رهنامه از سوی آنان ارائه نشده است. حتی ایالات متحده آمریکا که بخش اعظمی از اصول و قواعد و رهنامه خود را تحت عنوان آئین‌نامه‌های رزمی از طریق پنتاگون یا موسسه‌ی تحقیقاتی رند منتشر نموده و از طریق اینترنت در دسترس همگان قرار داده است، تاکنون هیچ قواره یا چارچوبی برای تدوین رهنامه منتشر نکرده است (بی‌نا، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

نتایج حاصل از تدوین رهنامه‌های نظامی: در جزوه تدوین رهنامه ارتش تایلند این‌گونه آمده است که، نتایج اجرای رهنامه و خروجی آن از طریق توانمندی نظامی واقعی در قالب طرح‌ها، سازمان، ساختار نیرویی و ویژگی‌های آموزش شناخته می‌شود. در واقع طرح‌ها، مهم‌ترین خروجی رهنامه هستند که بر سایر نتایج رهنامه تأثیر می‌گذارد. ساختار و سازمان یک نیروی نظامی نیز می‌بایست مبتنی بر دکترین آن طراحی شود. ساختار نیرویی نیز در نتیجه تأثیرپذیری طرح‌ریزی‌های عملیاتی



سطوح مختلف از رهنامه و به تبع آن تأثیرگذاری طرح‌های عملیاتی بر ساختار نیرویی موردنیاز به‌منظور اجرای آن‌ها، با دکتربین مرتبط می‌شود.

با تدوین رهنامه عملیاتی فهم مشترک و ادبیات یکسانی در سطح نیروها ایجاد شده و امکان هم‌افزایی و بهره‌برداری از کلیه ظرفیت‌های نیروهای مسلح و مردمی فراهم می‌شود. علاوه بر این، آموزش‌ها مبتنی بر اصول رهنامه عملیاتی، در سطوح مختلف نظام‌مند شده و آئین‌نامه‌ها، جهت‌دهی و تعیین تکلیف می‌گردند. هم‌چنین الگوی سلاح و تجهیزات، تعیین و برنامه‌های آمادگی رزم، نظام‌مند می‌شوند و در نهایت این‌که معیار و شاخصی مناسب برای ارزیابی اقدامات عملیاتی نیروهای زمینی تعیین می‌گردد.

روش‌شناسی

مقاله پیش‌رو بر اساس هدف، کاربردی می‌باشد. هم‌چنین این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی می‌باشد. روش تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله شامل روش‌های کتابخانه‌ای، پیمایشی و مصاحبه می‌باشد. در این تحقیق ابتدا به سابقه تاریخی اصول جنگ و رهنامه و سپس به مفاهیم امروزی آن از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف پرداخته شده است، تا ابعاد و محدوده تحت پوشش و تفاوت‌ها و تشابهات هرکدام مشخص شود. سپس از روش دلفی برای کسب نظرات جامعه خبرگان استفاده شده و مصاحبه صورت گرفته است.

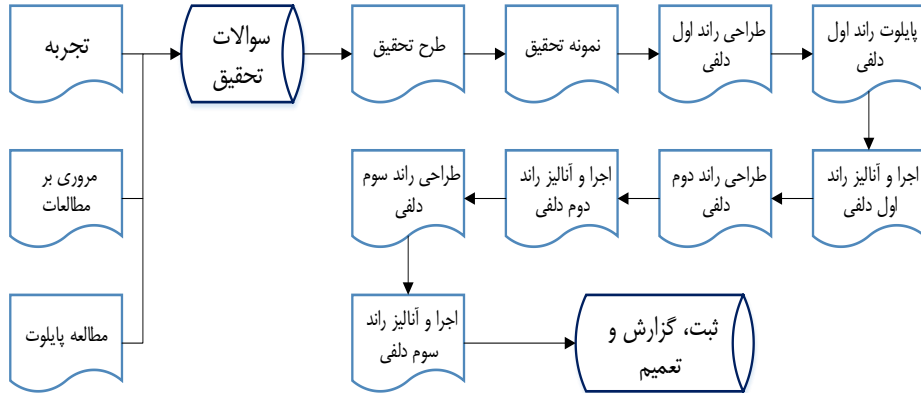
به دلیل آن‌که محقق به دنبال کشف جنبه‌های مختلف اصول جنگ و رهنامه بوده و با در نظر گرفتن تعاریف عملی و نظری مربوط به آن‌ها به یک تعریف مشخص محدود می‌گردید، لذا برای رسیدن به هدف نهایی از مطرح نمودن یک تعریف صرف‌نظر کرده و با در پیش گرفتن بی‌طرفی نسبت به تعاریف مختلف، از هر تعریف برای روشن نمودن ابعاد مختلف مفاهیم استفاده شده است و کلیه محتواهای دیداری، شنیداری و مکتوب پیرامون موضوع تحقیق که از طریق جست‌وجوی منابع و به‌صورت تمام شمار - تا جایی که محقق امکان دسترسی به منابع را داشت - گردآوری شده‌اند و هم‌چنین شامل مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگانی است که در حوزه اصول جنگ و تدوین رهنامه‌ها حائز تجربیات عملی و نظری کافی باشند.

روش دلفی به‌صورت سیستماتیک برای استخراج نظرات گروهی از خبرگان در مورد یک موضوع یا سؤال خاص است (دالکی و هم‌لر، ۱۹۶۳). برای ایجاد گروه خبرگان، از روش نمونه‌گیری بر



مبنای هدف استفاده می‌شود، این روش نمونه‌گیری از نوع غیراحتمالی می‌باشد و علت آن اهمیت کیفیت افراد خبره می‌باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

فرآیند دلفی استفاده‌شده در پژوهش: روش دلفی یک رویه‌ی مرحله‌ای است و فرآیند آن در شکل شماره ۳ نشان داده شده است. این روش به ۵ قسمت اصلی "فعالیت‌های قبل از شروع"، "راند اول"، "راند دوم"، "راند سوم" و "تصمیم و تصویب" تقسیم می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).



شکل ۳: فرآیند رویه مرحله‌ای روش دلفی (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شخصیت‌هایی در سمت‌های معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستاد ف کل اجا، معاونت عملیات ستاد ف کل سپاه، معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستاد نزا، معاونت‌های اطلاعات و عملیات ستاد نرسا، قرارگاه‌ها، سپاه‌ها، لشکرها و تیپ‌های آجا و سپاه، گروه مشاورین مقام معظم رهبری در آجا و سپاه، دانشگاه عالی دفاع ملی و دافوس آجا و سپاه می‌باشند. در این تحقیق برای انتخاب گروه خبره از روش نمونه‌گیری هدف‌دار و گلوله برفی استفاده شده است. ابتدا افرادی که دارای یک یا چند صلاحیت زیر می‌باشند، انتخاب شده‌اند:

الف: سابقه فرماندهی و تدریس در مراکز متعلق به نیروهای نظامی

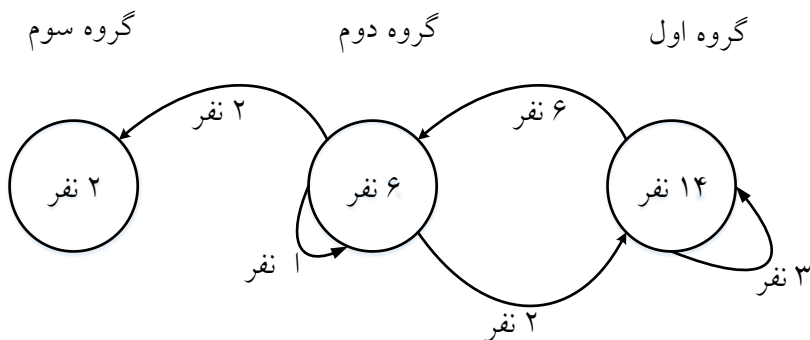
ب: سابقه مدیریتی در پست‌های دفاعی و امنیتی

ج: سابقه فرماندهی در عملیات‌های دفاع مقدس

بدین ترتیب ابتدا ۲۰ دعوت‌نامه برای نامزدها ارسال شد که ۱۴ تن از آنها حاضر به همکاری شدند. پس از ملاقات اولیه این افراد، آنها نیز ۹ نفر دیگر از خبرگان را معرفی نمودند که از این ۹ نفر شش نفر جدید و سه نفر در گروه اول بودند. گروه دوم نیز ۵ نفر دیگر را معرفی نمودند که از بین



این ۵ نفر یک نفر در گروه دوم، دو نفر در گروه اول و دو نفر جدید بودند. نهایتاً گروه خبرگان از ۲۲ نفر از افراد واجد شرایط تشکیل شد که در شکل ۴ به صورت شماتیک نشان داده شده است. پس از تکوین سؤالات تحقیق و ارزیابی کلمات و جملات، در راند اول پرسشنامه در اختیار گروه اول از خبرگان قرار گرفت که دارای ساختاری باز بود تا با استراتژی زایش ایده‌ها و طوفان فکری شخصی جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق را آشکار شود. در راند دوم پرسشنامه ساختاریافته‌تر شده تا جنبه‌های آشکار شده در راند قبلی مورد بررسی قرار گیرد و معین شود که آیا این جنبه‌ها مورد توافق می‌باشند یا خیر. معمولاً برای اندازه‌گیری میزان توافق افراد از روش‌های کمی استفاده گردید و در این تحقیق برای سنجش میزان توافق افراد در مورد موضوع از اساس مقیاس (طیف) لیکرت استفاده شد. علاوه بر سنجش توافق از خبرگان خواسته شد تا استدلال‌های خود را در مورد موضوع بیان نماید. سپس در راند سوم، خبرگان پاسخ خود را مرور نموده و در صورت نیاز در مورد آن‌ها تجدیدنظر کردند. موضوعاتی که در مورد آن‌ها اجماع شده است، مشخص گردید و در موارد عدم اجماع دلایل از دیدگاه خبرگان کسب شده است. در این مرحله با به‌کارگیری میانگین اهمیت موضوعات درجه‌بندی شد. در گام تصمیم و تصویب نتایج به‌دست‌آمده از اجماع خبرگان استحصال شده و خبرگان از آن‌ها آگاه گردیدند.



شکل ۴: مراحل هدفمند انتخاب نمونه‌ها.

همچنین ترکیب این گروه خبره با توجه به صلاحیت‌ها عبارت است از:

- ۱۶ نفر سابقه فرماندهی و تدریس در مراکز متعلق به نیروهای نظامی
- ۹ نفر سابقه مدیریتی در پست‌های دفاعی و امنیتی
- ۱۱ نفر سابقه فرماندهی در عملیات‌های دفاع مقدس

البته ذکر این نکته ضروری است که بعضی از خبرگان دارای چند صلاحیت می‌باشند.



تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این مقاله برای تبیین ابعاد مسئله در راند اول دلفی ویژگی‌های اصول جنگ و رهنامه از تحقیقات مرتبط استخراج شد و پرسشنامه‌های بر اساس این یافته تهیه شد. برای سهولت در قضاوت خبرگان این پرسشنامه به سه قسمت الف) ویژگی‌های رهنامه ب) ویژگی‌های اصول جنگ ج) مقایسه رهنامه و اصول جنگ تقسیم‌بندی شده است. از خبرگان خواسته شد تا میزان موافقت خود را در مورد هر یک از گزاره‌ها ارائه شده در پرسشنامه را بیان شود. این پرسشنامه علاوه بر گزاره‌های یافته شده از تحقیقات پیشین دارای ساختاری باز بوده و از خبرگان خواسته شد تا گزاره‌های موردنظر خود را در مورد هر یک از سه بخش پرسشنامه بیان نمایند. در این قسمت برای سنجش گزاره‌های اولیه در پرسشنامه (به دست آمده از مطالعات پیشین) از مقیاس لیکرت هفت نقطه‌ای مندرج در جدول ۱ استفاده شد.

جدول ۱: امتیازدهی به گزاره‌ها.

کاملاً موافق	موافق	نسبتاً موافق	ممتنع	نسبتاً مخالف	مخالف	کاملاً مخالف
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

در پرسشنامه راند اول دلفی، ۱۶ گزاره اولیه به خبرگان ارائه شد. از میان این ۱۶ گزاره، ۹ گزاره دارای میانگین نمره ۵ (نسبتاً موافق) به بالا بودند و از آن‌ها برای پرسشنامه راند دوم استفاده شد. علاوه بر آن حدود ۱۷ گزاره از گروه خبرگان به دست آمد که از میان آن‌ها ۹ گزاره مجزا استخراج شد و مابقی به دلیل همسانی با یکدیگر حذف شدند.

جدول ۲: گزارش روند اجرای روش دلفی.

مجموع	رابطه بین رهنامه و اصول	ویژگی‌های رهنامه	ویژگی‌های اصول	ارائه شده	گزاره‌های اولیه	راند اول
۱۶	۴	۷	۵	ارائه شده		
۹	۲	۵	۲	تایید شده (با میانگین نمره ۵)		
۷	۲	۲	۳	رد شده		
۱۷	۴	۷	۶	قبل از مطابقت با سایر گزاره‌ها	گزاره‌های پیشنهاد شده توسط خبرگان	
۹	۲	۴	۳	پس از مطابقت با سایر گزاره‌ها		
راند دوم						
۱۸	۴	۹	۵	ارائه شده	گزاره‌های ارسال شده از راند قبلی	
۱۵	۳	۷	۵	تایید شده (با میانگین نمره ۵)		
۳	۱	۲	۰	حذف شده		
۲	۰	۰	۲	ترکیب شده		
۱	۰	۰	۱	قبل از مطابقت با سایر گزاره‌ها	گزاره‌های پیشنهاد شده توسط خبرگان	
۱	۰	۰	۱	پس از مطابقت با سایر گزاره‌ها		
راند سوم						
۱۵	۳	۷	۵	ارائه شده	گزاره‌های ارسال شده از راند قبلی	
۱۲	۳	۶	۳	تایید شده (با میانگین نمره ۶)		



در راند دوم ۹ گزاره اولیه و ۹ گزاره راند اول باهم یک پرسشنامه ۱۸ گزاره‌ای را تشکیل دادند. در این پرسشنامه از خبرگان خواسته شد تا نظرات خود را راجع به این گزاره‌ها بیان نمایند. نهایتاً در راند دوم ۳ گزاره حذف شد (به علت داشتن نمره‌ای کمتر از ۵) و خبرگان نیز پیشنهاد ترکیب ۲ گزاره ارائه شده در قسمت ویژگی‌های اصول جنگ دادند. علاوه بر آن، یک گزاره جدید نیز توسط خبرگان ارائه شد که با دیگر گزاره‌ها مطابقت نداشته و در راند بعدی از آن استفاده شد. در راند سوم ۱۵ گزاره مجدد موردسنجش قرار گرفتند. در این قسمت برای احصا اجماع بهتر، نمره پذیرش گزاره‌ها ۶ (موافق) در نظر گرفته شد. در نتیجه، پس از جمع‌آوری این پرسشنامه‌ها ۱۲ گزاره موردپذیرش قرار گرفت. گزارش روند اجرای روش دلفی در جدول ۲ و نتایج حاصل از آن در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳: گزارش نتایج.

ویژگی های رهنامه		میانگین امتیاز	انحراف معیار
۱	اصول و قوانینی هستند که عملکرد را راهنمایی می کنند	۶/۵۱	۰/۵۸
۲	برای پیاده سازی یک استراتژی یا ماموریت خاص، رهنامه نشان دهنده مسیر و راه صحیح می باشد	۶/۶۲	۱/۲۸
۳	رهنامه تمامی زوایا و جوانی رسیدن به هدف را پوشش می دهد.	۶/۵۷	۱/۲۸
۴	رهنامه صراحت داشته و از هرگونه ابهام بری است	۶/۷۶	۰/۸۶
۵	رهنامه از جنس اندیشه است	۶/۰۲	۱/۵
۶	رهنامه باعث بوجود آمدن فلسفه مشترک سازمانی است	۶/۰۳	۱/۰۸
اصول جنگ			
۱	اصول جنگ حقایق عمومی است که صحت و اعتبار آن برای فرماندهان نظامی اثبات شده است	۶	۱/۴
۲	اصول جنگ باعث چارچوب ذهنی برای ارزیابی اقدامات احتمالی ارائه می دهد	۶/۰۹	۰/۹۲
۳	اصول جنگ دارای ماهیتی ثابت است	۶/۶۵	۲/۰۲
رابطه رهنامه و اصول جنگ			
۱	رهنامه بر اصول مبتنی است و اصول جنگ راهنمای بنیادی رهنامه است	۶/۰۵	۱/۲
۲	اصول جنگ پایه ای تر از رهنامه است	۶/۳	۱/۳
۳	رهنامه ماهیت پویاتر نسبت به اصول داشته و با تغییر تکنولوژی و جنگ افزار ممکن است به روز شود	۶/۳۹	۰/۸۷



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری:

با توجه به محدودیت‌های پیش روی محقق که از جمله؛ فقدان دست‌یابی به منابع و مشکل دسترسی به خبرگان جهت پر کردن پرسشنامه و عدم انتشار عمومی بعضی محتواها، محقق توانست با روایی و پایایی قابل قبول نتایج زیر را به دست بیاورد. استفاده از یافته‌های حاصل از منابع کتابخانه‌ای و پاسخ‌های پرسش‌شوندگان، نتایج زیر به دست آمد که به تفکیک هر سؤال تحقیق بیان می‌گردد.

• ویژگی‌های اصول جنگ و رهنامه کدام است؟

اصول جنگ بیانگر حقایق عمومی است که صحت و اعتبار آن‌ها برای فرماندهان نظامی اثبات شده و آن‌ها را پذیرفته‌اند. ویژگی هر جنگ باعث می‌شود قسمتی از اصول جنگ برای موفقیت در عملیات نظامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. اصول جنگ چارچوبی ذهنی برای ارزیابی اقدامات احتمالی ارائه می‌دهد ولی جایگزین نبوغ نظامی و تخصص حرفه‌ای نمی‌شود، بلکه فرماندهان با اشراف به اصول و در نظر گرفتن شرایط در انواع عملیات، آن‌ها را با دکتترین خاص خود به کار می‌برند. اصول جنگ دارای ماهیت ثابتی هستند اما نسبت به نوع نگرش کشورها در رهنامه خود متغیر است که باعث تفاوت در اصول جنگ در کشورهای مختلف می‌شود. اصول جنگ راهنمای بنیادین رهنامه می‌باشد.

در برخی مواقع تغییر رهنامه ضروری است، اما هسته اصلی یا محورهای اساسی ثابت مانده و فقط هنگامی تغییر می‌کنند که عوامل عمده (سیاست حکومت، سامانه جنگ‌افزار و تهدیدات) دچار تغییر و تحول شوند. رهنامه ماهیت پویا داشته و همگام با تغییرات محیط، سازمان، افراد و تجهیزات مشمول تغییرات منطقی می‌شود. مدیران باید قادر به بازنگری، اصلاح و تثبیت رهنامه بوده و در صورت نیاز رهنامه جدید پیشنهاد کنند.

• اصول جنگ و رهنامه چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارند؟

به این ترتیب، روشن می‌شود که اصول جنگ، رهنامه را تدوین کرده و تفاوتی ذاتی با آن ندارد، بلکه در واقع اصول جنگ مسیر و چارچوب رهنامه‌ها را تعیین نموده و از رهنامه‌ها کلی‌تر و پایدارتر است. رهنامه با بهره‌گیری از ویژگی‌های سرزمینی، توان نظامی نیروها و امکانات مردمی در سطح



کلان و گستره جهت مقابله و شکست دشمن طرح‌ریزی می‌شود و به‌طور مستقیم تحت قواعد و ساختارهای اصول جنگ تعریف می‌گردد.

دکترین، راهبرد نیست. استراتژی یا راهبرد مجموعه‌ای از اهداف، ابزار و روش‌ها و در واقع طرحی برای اقدام و عمل است، درحالی‌که دکترین یا رهنامه تئوری یا نظریه و از جنس اندیشه و قواعد حاکم بر استراتژی و عمل می‌باشد. رهنامه چارچوبی مفهومی برای نیروها ارائه می‌دهد. اما اصول جنگ چارچوب نبرد را تعیین می‌کند، با این‌که رهنامه و اصول هر دو چارچوب را ارائه می‌دهند ولی از نظر ماهیت این چارچوب‌ها باهم متفاوت بوده و در سطوح مختلفی قرار می‌گیرند. اصول، چارچوب پایه‌ای را ترسیم می‌کند، ولی رهنامه با پاسخ به سؤالات پیش‌رویش با ارائه چارچوب در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی امور را هماهنگ می‌کند. رهنامه تحت تأثیر افراد است به‌طوری‌که آن را متناسب به اشخاص می‌دانند تا سازمان یا کشور؛ درحالی‌که اصول فراتر از افراد، نهادها و سازمان‌ها طرح‌ریزی شده و به‌سادگی قابل‌تغییر نیست.



شکل ۵: رابطه اصول جنگ و رهنامه به همراه اجزای آن‌ها



اصول جنگ نسبت به رهنامه پایدارتر است. رهنامه تحت تأثیر عوامل متغیری چون فناوری و تجهیزات، فرهنگ و سنن ملل، تجربیات سازمان‌ها و ... تغییر می‌کند، درحالی‌که این عوامل بر روی اصول نمی‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد. هم‌چنین اصول جنگ از جمله مبانی رهنامه نظامی محسوب می‌شود. به‌کارگیری و اجرای هر یک از اصول جنگ در ادوار مختلف و در شرایط متفاوت رهنامه خاص خود را داشته و این رهنامه از ملتی به ملت دیگر و از نیروی مسلحی به نیروی مسلح دیگر متفاوت می‌باشد.

همان‌گونه که مدل ارائه‌شده در شکل ۵ رابطه میان اصول جنگ و رهنامه را به همراه اجزای آن‌ها نشان می‌دهد، اصول در مرتبه‌ای بالاتر از رهنامه قرار گرفته و حرکت کلی از اصول به سمت رهنامه می‌باشد. جدا از حرکت عمومی و منشأ رهنامه، جهت پیکان نشان‌دهنده پایداری است؛ به این معنا که اصول چون در سطح بالاتری قرار گرفته است، دارای ثبات بیش‌تری است. ضمن این‌که اصول با شکل دایره‌ای بسته ترسیم گشته که نشان از استقلال آن نسبت به شرایط بیرونی دارد، ولی رهنامه با دایره‌ای متخلخل ترسیم‌شده تا نمایان‌گر این مطلب باشد که مواردی چون «افراد، ویژگی سرزمینی، توان نظامی نیروها، امکانات مردمی، فرهنگ و سنن ملل» در آن مؤثرند. به دلیل آن‌که رهنامه‌ها بیش‌ترین تأثیر را از افراد می‌پذیرد، این قسمت بزرگ‌تر ترسیم‌شده است. اما باید توجه داشت که هسته اصلی و تغییرناپذیر رهنامه‌ها، اصول می‌باشند که ثابت بوده و شکل‌دهنده و شالوده رهنامه می‌باشد.

درمجموع، پژوهشگر با استفاده از فنون و ابزار مختلف سعی در بررسی ابعاد مختلف اصول جنگ و رهنامه کرده است. پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و یافته‌های حاصل از منابع کتابخانه‌ای تفاوت‌ها و تشابهات کم‌وبیش یکسانی را میان اصول و رهنامه برشمرده‌اند. هم‌چنین بررسی یافته‌های مقالات گوناگون نیز نکات متناقضی را نشان نداد، مقالات و پژوهش‌های پیرامون تشابهات و تفاوت‌های اصول و رهنامه یافته‌های نقیض یکدیگر نداشته‌اند. شایان توجه است که مهم‌ترین تحقیق‌ها در بخش پیشینه پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر، اصول از جنس رهنامه بوده زیرا ماهیت چارچوب‌سازی ذهنی دارد، اما از منظر پایداری و ثبات تفاوت اساسی میان اصول و رهنامه وجود دارد به طوری‌که اصول ثابت بوده و نسبت به رهنامه‌ها تغییرناپذیرترند.

ب - پیشنهاد:

با توجه به اینکه بیان دیدگاه‌های مختلف و بحث روی آن‌ها می‌تواند به تدوین یک نظریه برتر ختم شود، پیشنهاد می‌شود خبرگان و فرماندهان اقدام به تدوین رهنامه و انتشار محدود آن نموده تا پویایی تدوین رهنامه بیشتر شود.



فهرست منابع

-قرآن کریم

الف) منابع فارسی:

- احمدی، فضل‌الله؛ نصیریانی، خ & اباذری، پ. (۱۳۸۷)، "تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق"، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۸ (۱): ۱۷۵-۱۸۵.
- ازغندی، علیرضا & روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). "مسائل نظامی و استراتژیک معاصر"، سمت: تهران.
- باقری افشردی، محمدحسین. (۱۳۹۳). "تدوین دکترین صحنه جنگ". ارتش جمهوری اسلامی ایران، دانشکده فرماندهی و ستاد آجا، تهران: انتشارات دافوس.
- بی‌نا. (۱۳۷۸). دافوس پاسداران انقلاب اسلامی.
- بی‌نا. (۱۳۸۰). "اصول قواعد اساسی در رزم". تهران: چاپخانه دانشگاه افسری، دانشگاه افسری امام علی (علیه السلام)، مرکز آموزش‌های نظامی.
- بی‌نا. (۱۳۸۳). "اصول و قواعد اساسی رزم". تهران: چاپخانه مرکز پیاده، دانشکده پیاده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش پیاده.
- بی‌نا. (۱۳۸۵). "دکترین عملیاتی ارتش آمریکا و نقاط ضعف و قوت آن". تهران: چاپخانه سپاه پاسداران، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (علیه السلام) (معاونت عملیات).
- بی‌نا. (۱۳۹۰). "مطالعه تطبیقی در اندیشه نظامی". تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، گروه مدیریت دفاعی دانشکده دفاع ملی.
- تهامی، مجتبی. (۱۳۸۴). "امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی". سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت فرهنگی.
- جلالی فراهانی، غلام‌رضا. (۱۳۸۹). "پدافند غیرعامل و تهدیدات نوین". گردآوری و تنظیم مستندات محمد شاه‌محمدی؛ با همکاری و پیشنهاد سازمان پدافند غیرعامل کشور، تهران: بوستان حمید.
- جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۳). "مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران". سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، تهران: چاپخانه سپاه پاسداران.



- خلیلی، رضا. (۱۳۸۶). "دکترین، سیاست و استراتژی؛ نسبت سنجی نظری و مفهومی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره: ۳۷، صص ۴۲۱-۴۵۰.
- دانش آشتیانی، محمداقرا. (۱۳۸۳). "عوامل مؤثر در تبیین و تدوین دکترین نظامی"، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات دفاع استراتژیک، شماره ۲۰، ۳۱-۶۴.
- دوپویی، ترور نوبت. (۱۳۸۱). "تاریخ جنگ‌ها"، مترجم پیروز ایزدی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، معاونت تحقیق و پژوهش، تهران: چاپخانه سپاه پاسداران.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۸). "مشرق زمین گاهواره تمدن"، مترجم احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریان پور. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی: تهران.
- رسولی، حبیب‌الله. (۱۳۸۹). "بررسی و نقد اصول جنگ در نهج‌البلاغه"، مدیریت نظامی، شماره ۳۷: ۱۱۴-۱۳۷.
- زهدی، یعقوب. (۱۳۸۶). "مقایسه سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و دکترین دفاعی: با نگاهی به عوامل مؤثر در تدوین سیاست دفاعی ج.ا. ایران". فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۱۷.
- سلامی، حسین. (۱۳۷۴). "دکترین نظامی شوروی از لنین تا گورباچف. مجله سیاست دفاعی"، شماره ۱۲.
- سون تزو. (۱۳۸۷). "هنر جنگ‌آوری". مترجم کردستی، علی، تهران: نشر فرا.
- طلوعی، محمود. (۱۳۸۱). "فرهنگ جامع سیاسی"، نشر علم: تهران.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). "نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی"، تهران، انتشارات ابرار معاصر، چاپ دوم.
- عمید، حسن. (۱۳۶۵). "فرهنگ عمید: فرهنگ مفصل و مصور شامل کلیه واژه‌های فارسی و لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی، و اصطلاحات علمی و ادبی"، تهران: امیر کبیر.
- فرقانی، جمشید، امکانی، مصطفی، (۱۳۸۱). "دانش نظامی عمومی"، انتشارات معاونت آموزشی نزا: تهران.
- قنبری جهرمی، محمدحسین. (۱۳۸۷). "دکترین نظامی و فرآیند شکل‌گیری آن"، مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۵۳: ۸۱-۹۸.
- مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۷۴). "سیاست میان‌ملت‌ها (هانس جی مورگنتا)"، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



- مطهری، علی. (۱۳۹۲). "جهاد". تهران: انتشارات شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید آیت‌الله مطهری.
- معمارزاده، غلامرضا، پورشاسب، عبدالعلی. (۱۳۸۶). "الگوی مفهومی رهنامه نظامی". مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۰: ۱۸۷-۲۱۲.
- معین وزیری، نصرت‌الله. (۱۳۸۹). "تحلیل جنگ خلیج فارس از دیدگاه اصول جنگ"، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- معین، محمدعلی. (۱۳۷۸)، "فرهنگ فارسی (جلد دوم)". تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوروزی، محمدتقی. (۱۳۸۵)، "فرهنگ دفاعی - امنیتی". مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت. تهران: سنا.

ب) منبع انگلیسی:

- Dalkey, N. & Hemler, O. (1963), An experimental application of the Delphi Method to the use of experts; Management Science, 9(3): 458.

